



دوره تست زنی متون فقه

ویژه کارشناسی ارشد ۱۴۰۵

مدرس: دکتر محمدعلی معیر محمدی

موسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه

۰۲۱۸۸۹۸۶۲۷۷-۸

www.tnovin.com

- ۷۶- از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟
 «ینقسم موضوع التجارة، و هو ما یکتسب به و یبحث فیها عن عوارضه اللاحقة له من حیث الحکم الشرعی، إلى محرم و مکروه و مباح.»
 (۱) اقدام به تجارت، نمی‌تواند مستحب یا واجب باشد.
 (۲) اقدام به تجارت، ممکن است حرام یا مکروه یا مباح باشد.
 (۳) اشیای مورد تجارت، ممکن است به لحاظ حکم شرعی، حرام یا مکروه یا مباح باشند.
 (۴) اشیای مورد تجارت، مشمول احکام تکلیفی پنج‌گانه از جمله حرام، مکروه و مباح هستند.
- ۷۷- با توجه به متن زیر، هبه مال به غاصب چگونه صورت می‌گیرد؟
 «تفتقر الهبة إلى الإيجاب و القبول و القبض یاذن الواهب. و لو وهبه ما بیده لم یفتقر إلى قبض جدید، و لا إذن فیہ و لا مزیّ زمان. و إطلاق العبارة یقتضی عدم الفرق بین کونه بیده یایداع أو غصب.»
 (۱) صرفاً با ایجاب و قبول
 (۲) با اذن مالک به قبض جدید
 (۳) با گذشت مدتی از زمان اذن
 (۴) با ایجاب و قبول و قبض مجدد
- ۷۸- کدام مورد در خصوص عبارت «لو تکفل بواحد لاثنین» صحیح است؟
 «لو تکفل اثنان بواحد کفی تسلیم أحدهما إیاه. و لو تکفل بواحد لاثنین فلا بد من تسلیمه إلیهما معاً.»
 (۱) کفیل واحد، مکفول و مکفول له متعدد
 (۲) کفیل و مکفول واحد، مکفول له متعدد
 (۳) کفیل متعدد، مکفول و مکفول له واحد
 (۴) کفیل و مکفول متعدد، مکفول له واحد
- ۷۹- با توجه به متن زیر، کدام مورد درست است؟
 «إنما تجوز المضاربة بالدرهم و الدنانیر. فلا تصحّ بالعروض و لا الفلوس و لا الدین.»
 (۱) سرمایه باید درهم یا دینار باشد.
 (۲) عامل فقط باید با درهم و دینار معامله کند.
 (۳) هر نوع وجه نقدی می‌تواند سرمایه قرار گیرد.
 (۴) عامل نمی‌تواند معامله کالا به کالا انجام دهد.
- ۸۰- با توجه به متن زیر، کدام مورد درست است؟
 «و من حکم الأمانة الشرعية [أنه] لا یقبل قول الودعی فی ردّها إلا ببینة، بخلاف الأمانة المستندة إلى المالك؛ فإنه قد یقبل قوله فی ردّها كالوديعة، و قد لا یقبل كالعارية.»
 (۱) سخن امین در مورد رد امانت بدون بینة پذیرفته نمی‌شود، چه امانت مالکی باشد چه شرعی.
 (۲) سخن امین در مورد رد امانت بدون بینة پذیرفته می‌شود، چه امانت مالکی باشد چه شرعی.
 (۳) در همه اقسام امانت مالکی، سخن امین در مورد رد امانت بدون بینة پذیرفته می‌شود.
 (۴) در مورد رد امانت، سخن امین در امانت شرعی بدون بینة پذیرفته نمی‌شود.
- ۸۱- عبارت «لزمه حکم من وکله»، به چه معنا است؟
 «و حیث أذن الموکل للوکیل فی التوکیل فإن صرح له بکون وکیله وکیلاً عنه أو عن الموکل، لزمه حکم من وکله.»
 (۱) وکیل دوم، همواره وکیل وکیل اول است.
 (۲) وکیل دوم، همواره تابع دستورات موکل است.
 (۳) وکیل دوم، باید از احکام و دستورات وکیل اول تبعیت کند.
 (۴) وکیل دوم بر حسب مورد، وکیل موکل یا وکیل وکیل اول است.

- ۸۲- از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟
 «لو أوصى لأقرب الناس إليه نسباً نزل على مراتب الإرث لكن يتساوى المستحق هنا، والأصل عدم التفاضل فللذكر مثل حظ الأنثى.»
- ۱) در صورت تعدد موصی لهم، سهم ذکور دو برابر سهم اناث است.
 - ۲) نزدیک‌ترین خویشاوند نسبی، بر اساس طبقات ورثه تعیین می‌شود.
 - ۳) طبقات خویشاوندان در ارث و وصیت، از تمام جهات یکسان هستند.
 - ۴) وصیت بر نزدیک‌ترین خویشاوند نسبی، از تمام جهات تابع قواعد ارث است.
- ۸۳- با توجه به متن زیر، کدام مورد صحیح است؟
 «المغبون إن كان هو البائع لم يسقط خياره بتصرف المشتري. فإن فسخ و وجد العين منقولة المنافع جاز له الفسخ و انتظار انقضاء المدّة. و ليس له فسخ الإجارة و لو كان النقل جائزاً كالسكنى المطلقة فله الفسخ.»
- ۱) انتقال منافع مبیع توسط خریدار، مانع از فسخ بیع توسط فروشنده نیست.
 - ۲) اگر خریدار مبیع را اجاره داده باشد، با بیع می‌تواند عقد بیع یا اجاره را فسخ کند.
 - ۳) اگر خریدار منافع مبیع را منتقل کرده باشد، با بیع تا پایان مدت حق فسخ بیع را ندارد.
 - ۴) اگر منافع مبیع با عقد عمری، رقبی، یا سکنی منتقل شده باشد، با بیع می‌تواند عقد مزبور را فسخ کند.
- ۸۴- با توجه به متن زیر، کدام مورد صحیح است؟
 «لا يشترط معرفة قدر الحق المضمون. فلو ضمن ما في ذمته صح. هذا إذا أمكن العلم به بعد ذلك كالمثال، فلو لم يمكن ك «ضمنت لك شيئاً ممّا في ذمته» لم يصح قطعاً.»
- ۱) ضمان «مقداری از ما فی الذمه مدیون» صحیح است و مقدار آن باید بعد از ضمان تعیین شود.
 - ۲) ضمان ما فی الذمه مدیون صحیح است، هر چند که مقدار آن بعد از ضمان قابل تعیین نباشد.
 - ۳) ضمان ما فی الذمه مدیون صحیح است و ضامن باید کل بدهی وی را بپردازد.
 - ۴) ضمان «مقداری از ما فی الذمه مدیون» صحیح است و ضامن باید بخشی از دین را بپردازد.
- ۸۵- با توجه به متن زیر، کدام مورد درست است؟
 «المحاربة هي تجريد السلاح لإخافة الناس.» و أخذ تجريد السلاح تبع فيه الخبر أمن شهر السلاح...، و إلاّ فالأجود عدم اعتباره. فلو اقتصر على الحجر و العصا و الأخذ بالقوة فهو محارب، لعموم الآية.»
- ۱) قصد ترساندن شرط تحقق محاربه نیست، اما ترسیدن مردم شرط است.
 - ۲) لزوم مسلح بودن محارب به سلاح سرد یا گرم، از آیه قران استفاده می‌شود.
 - ۳) به نظر شارح، اگر از روایت صرف نظر شود، تحقق محاربه منوط به سلاح کشیدن محارب نیست.
 - ۴) به نظر شارح، برای تحقق محاربه، دست‌کم وجود سلاح سرد شرط است.
- ۸۶- کدام مورد در خصوص قصاص زن باردار، درست است؟
 «لا يقتص من الحامل حتى تضع و ترضعه اللباء مراعاة لحقّ الولد. و لا يجب الصبر بعد ذلك إلا أن تتوقف حياة الولد على إرضاعها فينتظر مقدار ما تندفع حاجته.»
- ۱) قصاص کردن زن باردار تا پایان مدت مقرر برای شیر دادن (۲۴ ماه) به تأخیر می‌افتد.
 - ۲) قصاص کردن زن باردار تا زمان وضع حمل و دادن شیر آغوز به نوزاد به تأخیر می‌افتد.
 - ۳) به‌طور کلی، رعایت حق فرزند در مورد تربیت و حضانت، بر اجرای فوری قصاص ترجیح دارد.
 - ۴) اگر طفل نیاز به شیر مادر داشته باشد، قصاص مادر تا پایان مدت مقرر برای شیر دادن (۲۴ ماه) به تأخیر می‌افتد.

۸۷- از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟

«لايجوز إسقاط المنفعة المعينة أى الإبراء منها سواء كان بلفظ الإسقاط أم الإبراء أم غيرهما. لأنه عبارة عن إسقاط ما فى الذمة فلا يتعلق بالأعيان، و لا بالمنافع المتعلقة بها، و يجوز إسقاط المنفعة المطلقة المتعلقة بالذمة و إن لم يستحق المطالبة بها.»

- ۱) اسقاط منفعت معین، در صورتی که با لفظ ابراء باشد، صحیح است.
- ۲) اسقاط و ابراء به چیزی تعلق می‌گیرد که در ذمه قرار داشته باشد.
- ۳) اسقاط منفعتی که در ذمه قرار دارد، اسقاط ما لم يجب و باطل است.
- ۴) اسقاط منفعتی که مستاجر حق مطالبه آن را ندارد، اسقاط ما لم يجب و باطل است.

۸۸- از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟

«لو عقد المحرم عالماً بالتحريم حرمت أبدأ بالعقد و إن جهل لم تحرم. و مستند الحكم] رواية زرارة عن أبي عبدالله (ع) الدالة بمنطوقها على حكم العلم، و بمفهومها على غيره. و هو معتضد بالأصل فلا يضر ضعف دلالتة.»

- ۱) منطوق روایت با مفهوم آن تعارض دارد.
- ۲) مفهوم روایت ضعیف است و نمی‌توان به آن استناد کرد.
- ۳) ضعف دلالت مفهومی روایت، با اصل عدم حرمت تقویت می‌شود.
- ۴) دلالت منطوقی و مفهومی روایت ضعیف است و با اصل تقویت می‌شود.

۸۹- با توجه به متن زیر، کدام مورد درست است؟

«من لا ولی له فالحاکم ولیه یقتص له. و قيل: ليس له العفو عن القصاص»، لصحیحة أبی ولاد. و ذهب ابن إدريس إلى جواز عفو عن القصاص. و يظهر من المصنف الميل إليه حيث جعل المنع قولاً، و حيث كانت الرواية صحیحة، فلا وجه للعدول عنها.»

- ۱) شارح با نظر مصنف موافق است.
- ۲) شارح با نظر ابن ادريس و مصنف موافق است.
- ۳) مصنف به روایت توجه کرده و عفو از قصاص را برای حاکم جایز ندانسته است.
- ۴) به نظر شارح، باید به روایت عمل کرد و عفو از قصاص را برای حاکم جایز ندانست.

۹۰- با توجه به متن زیر، کدام مورد در خصوص تلف عوض قبل از قبض، صحیح است؟

«أفی طلاق الخلع] لو تلف العوض المعین المبدول قبل القبض فعليها ضمانه و لا يبطل الخلع، لأصالة الصحة. و المعاوضة هنا ليس حقيقة كما فى البيع فلا يؤثر بطلان العوض المعين فى بطلانه.»

- ۱) خلع را منحل نمی‌کند، اما عقد بیع را منحل می‌کند.
- ۲) خلع را منحل می‌کند، اما عقد بیع را منحل نمی‌کند.
- ۳) به زوج حق می‌دهد که از طلاق رجوع کند.
- ۴) خلع و عقد بیع را منحل می‌کند.

۹۱- مقصود از عبارت «مثله ما لو ظن زوجته أجنبية...» چیست؟

«يعتبر فى المطلق القصد فلاعبرة بعبارة الساهى و النائم و الغالط. و مثله ما لو ظن زوجته أجنبية بأن كانت فى ظلمة، أو أنكحها له و كيله و لم يعلم.»

- ۱) به تصور وکیل بودن در طلاق، زوجه شخصى را طلاق دهد.
- ۲) زنى را که در واقع زوجه او است، بیگانه تصور کند و طلاق دهد.
- ۳) زنى را که با وی بیگانه است و رابطه زوجیت ندارد، طلاق دهد.
- ۴) زوجه گمان کند که اجنبی است، در حالی که وکیل وی، او را بدون اطلاع وی تزویج کرده است.

۹۲- با توجه به متن زیر، اقرار مفلس به سرقت، چه حکمی دارد؟
 «ثبتت السرقة بالإقرار مرتين مع كمال المقرّ بالبلوغ و العقل و رفع الحجر بالسفه بالنسبة إلى ثبوت المال، و الفلّس بالنسبة إلى تنجيزه. فلا ينفذ إقرار السفيه في المال، و لكن يقطع، و كذا المفلس لكن يتبع بالمال بعد زوال الحجر.»

(۱) پس از رفع تفلیس، مال در ذمه وی ثابت می‌شود.

(۲) نسبت به ثبوت مال نافذ نیست، چون اقرار وی به زیان طلبکاران است.

(۳) مال در ذمه وی ثابت می‌شود، اما باید بعد از رفع تفلیس آن را بپردازد.

(۴) نسبت به ثبوت مال نافذ نیست، مگر آن که طلبکاران مفلس اقرار را تنفیذ کنند.

۹۳- در متن زیر، واژه «عطب» و «هرب»، به ترتیب، به چه معنا است؟

«الدفاع عن النفس و المال و الحریم و هو جائز فی الجميع مع عدم ظن العطب. و مع العجز يجب الهرب مع الإمكان.»

(۱) هلاکت - فرار (۲) هلاکت - مبارزه (۳) شکست - فرار (۴) شکست - مبارزه

۹۴- با توجه به عبارت زیر، «مخذل» به چه کسی گفته می‌شود؟

«لايسهم للمخذل و هو الذي يجبن عن القتال، و يخوف عن لقاء الأبطال.»

(۱) کسی که از جنگ با دشمن می‌ترسد.

(۲) کسی که مسلمانان را از جنگ می‌ترساند.

(۳) کسی که از ترس دشمن، مسلمانان را یاری نکند.

(۴) کسی که از جنگ می‌ترسد و مسلمانان را از جنگ می‌ترساند.

۹۵- با توجه به متن زیر، کدام مورد در خصوص شرط باقی گذاردن زوجه در شهر خود، صحیح است؟

«لو شرط إبقاء المرأة في بلدها لزم و لم يصح إسقاطه بوجه، لأنه حق يتجدد في كل آن فلا يعقل إسقاط ما لم

يوجد حكمه و إن وجد سببه.»

(۱) به صورت معوض قابل اسقاط نیست، اما به صورت غیر معوض قابل اسقاط است.

(۲) زوج نمی‌تواند آن را اسقاط کند، اما زوجه می‌تواند.

(۳) اگر سبب آن تحقق یافته باشد، قابل اسقاط است.

(۴) قابل اسقاط نیست.

۷۶- با توجه به متن زیر، شخص ثالثی که کار مورد جعاله را انجام داده، مستحق چه چیزی است؟
«لو عین الجعالة لواحد و ردّ غيره فهو متبرّع لا شيء للمتبرّع و لا للمعيّن. و لو شارك المعين فإن قصد التبرّع عليه فالجميع للمعيّن. و إلّا فالنصف للمعيّن خاصة.»

(۲) مستحق اجرت المثل است.

(۱) مستحق اجرت المسمى است.

(۴) مستحق نصف اجرت است.

(۳) مستحق چیزی نیست.

- ۷۷- جمله «یهودی و النصرانی و المجوسی لا تحلفوهم إلا بالله» در متن زیر، به چه معنا است؟
 «لا تنعقد الیمنین ... إلا بالله تعالی. و لا يجوز بغیر ذلك لقول الصادق (ع): لا یحلف بغیر الله، و قال: الیهودی و النصرانی و المجوسی لا تحلفوهم إلا بالله.»
- (۱) یهودی، نصرانی و مجوسی را فقط به «الله» سوگند دهید.
 - (۲) یهودی، نصرانی و مجوسی سوگند نمی‌خورند مگر به «الله».
 - (۳) یهودی، نصرانی و مجوسی فقط باید به «الله» سوگند بخورند.
 - (۴) یهودی، نصرانی و مجوسی نباید به غیر از «الله» سوگند بخورند.
- ۷۸- حکم فرض دوم در متن زیر (و کذا ...) چیست؟
 «لو تداعیا ما فی أیدیہما فادعی کلّ واحد منهما المجموع و لا بیّنة، حلفا و اقتساما بالسویة. و کذا إن أقاما بیّنة. و یقضی لكل منهما بما فی ید صاحبه، بناءً علی ترجیح بیّنة الخارج.»
- (۱) بیّنه متصرف مال بر بیّنه دیگری مقدم است.
 - (۲) مال به صورت مساوی بین آن دو تقسیم می‌شود.
 - (۳) برای هریک از آنها به نصفی که در دست او است، حکم می‌شود.
 - (۴) برای هریک از آنها به نصفی که در دست دیگری است، حکم می‌شود.
- ۷۹- با توجه به متن زیر، ید بایع در زمان غصب مبیع توسط ثالث، چه حکمی دارد؟
 «لو غصب من ید البائع قبل إقباضه و أسرع عوده فلا خیار للمشتري. و لا أجره علی البائع فی تلك المدّة التي كانت فی ید الغاصب و إن كانت العین مضمونةً علیه، لأنّ الأجرة بمنزلة النماء المتجدد و هو غیر مضمون.»
- (۱) نسبت به مبیع و منافع آن، امانی است.
 - (۲) نسبت به مبیع و منافع آن، ضمانی است.
 - (۳) نسبت به مبیع، امانی و نسبت به منافع آن، ضمانی است.
 - (۴) نسبت به مبیع، ضمانی و نسبت به منافع آن، امانی است.
- ۸۰- مقصود از «قدر الحق المرهون به» چیست؟
 «لو اختلفا [الراهن و المرتهن] فی قدر الحق المرهون به، حلف الراهن.»
- (۱) مقدار مال مورد رهن
 - (۲) مقدار دینی که به سبب آن رهن داده شده
 - (۳) ارزش مال مورد رهن در صورت تلف در دست مرتهن
 - (۴) ارزش مال مورد رهن پس از فروش آن برای استیفای طلب
- ۸۱- دلیل مسموع نبودن دعوا در فرض زیر چیست؟
 «[إذا] ادّعی دعوی ملزمةً معلومةً جازمةً قبلت. فإن... تخلف الثانی کدعوی شیء و ثوب و فرس فی سماعها قولان: أحدهما العدم. بل لا بدّ من ضبط المثلی بصفاتہ، و القیمی بقیمتہ.»
- (۱) مجهول بودن موضوع دعوا
 - (۲) الزام آور نبودن دعوا
 - (۳) مردد بودن موضوع دعوا بین چند چیز
 - (۴) جازم نبودن مدعی
- ۸۲- از عبارت زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟
 «ینتقل حقّ الرهانة إلی الوارث بالموت، لأنّ مقتضى لزوم العقد من طرف الراهن، و لأنّ وثيقة علی الدین فیبقی ما بقى ما لم یسقطه المرتهن.»
- (۱) موت راهن موجب از بین رفتن عقد رهن و حال شدن بدهی وی نمی‌شود.
 - (۲) با موت راهن یا مرتهن، حق رهن به وراثت آن دو منتقل می‌شود.
 - (۳) با موت مرتهن، حق رهن به وراثت وی منتقل می‌شود.
 - (۴) با موت راهن یا مرتهن، عقد رهن از بین نمی‌رود.

- ۸۳- متن زیر، مطابق با کدام یک از مقررات قانون مدنی است؟
 «لو أدي ديناً و عين به رهناً بأن كان عليه ديون و على كل واحد رهن خاص فقصد بالمؤدى أحد الديون بخصوصه ليفك رهنه، فذاك هو المتعين، لأن مرجع التعيين إلى قصد المؤدى.»
 (۱) اگر راهن مقداری از دین را ادا کند، حق ندارد مقداری از رهن را مطالبه نماید و مرتهن می‌تواند تمام آن را تا ادای کامل دین نگاه دارد.
 (۲) اگر کسی به یک نفر دیون متعدده داشته باشد، تشخیص این‌که تأدیه از بابت کدام دین است، با مدیون می‌باشد.
 (۳) ممکن است یک نفر، مالی را در مقابل دو یا چند دین که به دو یا چند نفر دارد، رهن بدهد.
 (۴) ممکن است دو نفر، یک مال را به یک نفر در مقابل طلبی که از آن‌ها دارد، رهن بدهند.
- ۸۴- از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟
 «للام إرضاع الولد - حيث يستأجرها الأب - بنفسها و غيرها إذا لم يشترط عليها إرضاعه بنفسها، كما في كل أجيرٍ مطلق.»
 (۱) شیر دادن از حقوق و تکالیف شخصی مادر است و قابل واگذاری به غیر نیست.
 (۲) مادر در همه موارد می‌تواند شیر دادن طفل را به شخص دیگری واگذار کند.
 (۳) مادری که اجیر بر شیر دادن شده، همواره و فقط باید خودش شیر بدهد.
 (۴) مادر می‌تواند بر شیر دادن طفل اجرت بگیرد.
- ۸۵- با توجه به متن زیر، اگر شخص ثالثی مکفول را از دست کفیل رها کند، چه حکمی دارد؟
 «لو كان تخلص الغريم من يد كفيله و تعدّر استيفاء الحق من قصاص او مال، و اخذ الحق من الكفيل، كان له الرجوع على الذي خلّصه.»
 (۱) طلبکار باید در صورت امکان، ابتدا به مکفول رجوع کند نه به کفیل یا ثالث.
 (۲) طلبکار می‌تواند همزمان به مکفول، کفیل یا ثالث مراجعه کند.
 (۳) طلبکار باید ابتدا به کفیل، و کفیل باید به ثالث مراجعه کند.
 (۴) طلبکار و کفیل می‌توانند همزمان به ثالث رجوع کنند.
- ۸۶- در فرض مذکور در متن زیر، تصرف غیر مأذون توسط عامل و نیز ید وی، به ترتیب، چه حکمی دارند؟
 «يقتصر العامل [في المضاربة] من التصرف على ما أذن المالك له. فإن خالف ضمن المال، لكن لو ربح كان بينهما بمقتضى الشرط للأخبار الصحيحة، و لولاها لكان التصرف باطلاً أو موقوفاً على الإجازة.»
 (۱) نافذ - امانی
 (۲) نافذ - ضمانی
 (۳) غیر نافذ - ضمانی
 (۴) باطل - ضمانی
- ۸۷- با توجه به متن زیر، «همسایگان» به چه معنا است؟
 «الجيران لمن يلي دارة إلى أربعين ذراعاً من كل جانب. و يستوى فيه مالک الدار و مستأجرها و مستعيرها و غاصبها.»
 (۱) ساکنین هر خانه‌ای که پهلوی خانه موصی است تا چهل ذراع از هر طرف.
 (۲) ساکنین چهل خانه از هر طرف، به شرط این‌که طول آنها بیش از چهل ذراع نباشد.
 (۳) اشخاصی که تا چهل ذراعی خانه موصی سکونت دارند، به شرط این‌که تصرفشان مشروع باشد.
 (۴) مالکان هر خانه‌ای که پهلوی خانه موصی است، به شرط این‌که طول خانه از چهل ذراع بیشتر نباشد.
- ۸۸- منظور از شرط و صفت در متن زیر به ترتیب چیست؟
 «يشترط في الوكالة التنجيز فلو علقت على شرط متوقع، كدوم المسافر، أو صفة مترقبة، كطلوع الشمس، لم يصح.»
 (۱) هر دو به معنای امری است که وقوع آن احتمالی و زمان وقوع آن نامعلوم است.
 (۲) هر دو به معنای امری است که وقوع آن قطعی اما زمان وقوع آن معلوم است.
 (۳) امر محقق الوقوع، امر محتمل الوقوع
 (۴) امر محتمل الوقوع، امر محقق الوقوع

- ۸۹- دو جمله مذکور در متن زیر، به ترتیب، ایجاب چه نوع وصیتی هستند؟
 إيجابها: «افعلوا کذا بعد وفاتی» أو «لفلان بعد وفاتی کذا».
- (۱) تملیکی - عهده
 (۲) عهده - عهده
 (۳) عهده - تملیکی
 (۴) تملیکی - تملیکی
- ۹۰- در خصوص مقصود نویسنده از «علم» در متن زیر، کدام مورد درست است؟
 «لو عزله [الوکیل] الموکل اشترط علمه بالعزل. و المراد بالعلم هنا بلوغه الخبر بقول من یقبل خبره، و إن کان عدلاً واحداً، و لا عبرة بخبر غیره و إن تعدد، ما لم یحصل به العلم أو الظن المتأخّم له.»
- (۱) خبر دادن دست‌کم یک مرد عادل
 (۲) خبر دادن دست‌کم یک زن یا یک مرد عادل
 (۳) خبر دادن غیرعادل در هیچ موردی کفایت نمی‌کند.
 (۴) خبر دادن چند نفر غیرعادل کفایت نمی‌کند، حتی اگر از خبر آنها علم حاصل شود.
- ۹۱- مقصود از «شهادة الزور» و «اليمين الفاجرة» به ترتیب چیست؟
 «من الكبائر شهادة الزور و اليمين الفاجرة.»
- (۱) شهادت از روی اکراه - سوگند دروغ
 (۲) شهادت دروغ - سوگند دروغ
 (۳) شهادت دروغ - سوگند شخص فاجر
 (۴) شهادت از روی اکراه - سوگند شخص فاجر
- ۹۲- با توجه به متن زیر، در کدام مورد إصرار حکمی بر گناه صغیره صدق می‌کند؟
 «لإصرار علی الصغیره إمّا فعلیّ كالمواظبة علی نوع أو أنواع من الصغائر، أو حکمی و هو العزم علی فعلها ثانیاً بعد وقوعه و إن لم یفعل.»
- (۱) انجام دادن یک گناه صغیره و قصد انجام دادن آن برای بار دوم، به شرط این‌که دوباره آن را انجام دهد.
 (۲) انجام دادن یک گناه صغیره و قصد انجام دادن آن برای بار دوم، هرچند بار دوم آن را انجام ندهد.
 (۳) قصد انجام دادن چند گناه صغیره، به شرط این‌که از یک نوع باشند.
 (۴) قصد انجام دادن چند گناه صغیره، چه از یک نوع باشند چه نباشند.
- ۹۳- در عبارت روبه‌رو، «مستلب» به چه معنی است؟ «لا یقطع المستلب»
- (۱) کسی که راهزنی می‌کند.
 (۲) کسی که اختلاس می‌کند.
 (۳) کسی که کلاهبرداری می‌کند.
 (۴) کسی که آشکارا مالی را می‌رباید و فرار می‌کند.
- ۹۴- با توجه به عبارت زیر، کدام مورد درست است؟
 «یجلد القاذف بثیابه و لا یضرب ضرباً شديداً بل حدّاً متوسطاً دون ضرب الزنا.»
- (۱) قذف‌کننده را به شدت تازیانه نمی‌زنند، بلکه به‌طور متوسط و خفیف‌تر از حدّ زنا تازیانه می‌زنند.
 (۲) قذف‌کننده را به شدت تازیانه نمی‌زنند، بلکه پایین‌تر از حدّ متوسط و حدّ زنا تازیانه می‌زنند.
 (۳) قذف‌کننده را شدیدتر از حدّ متوسط و خفیف‌تر از حدّ زنا تازیانه می‌زنند.
 (۴) قذف‌کننده را خفیف‌تر از حدّ متوسط و حدّ زنا تازیانه می‌زنند.

۹۵- با توجه به عبارت زیر، کدام مورد درست است؟

«من ارتكب شيئاً من المحرّمات المجمع عليها غير مستحلّ لها عزّر ان لم يجب الحد.»

(۱) کسی که مرتکب یکی از محرّماتی شود که اجماع بر حرام بودن آنها وجود دارد درحالی که بداند حلال نیست، تعزیر می‌شود
گرچه مستوجب حد باشد.

(۲) کسی که مرتکب یکی از محرّماتی شود که اجماع بر حرام بودن آنها وجود دارد درحالی که حلال بداند، تعزیر می‌شود اگر
مستوجب حد نباشد.

(۳) کسی که مرتکب یکی از محرّماتی شود که اجماع بر حرام بودن آنها وجود دارد درحالی که آن را حلال نداند، تعزیر
می‌شود اگر مستوجب حد نباشد.

(۴) کسی که مرتکب یکی از محرّماتی شود که اجماع بر حرام بودن آنها وجود دارد درحالی که نداند که حرام است، تعزیر می‌شود
اگرچه مستوجب حد باشد.